

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

کبیر توخی  
۳۱ جولای ۲۰۱۵

اهداء :

به این دختر رزمنده و دلیر کوبانی !



## نگاه و لبخند گویا

این رزمنده زیبا روی و دلیر

با این لبخند ،

با این نگاهی که آرزو های سازندگی

در آن موج می زند ( از برای رهائی ) .

با همین نگاهها

به من و به تو ، و به ما تفهیم می کند :

من سنگرم را از برای رزم می کنم

من می دانم که خیلی زیبایم

به لطافت پوست صورتم ، نمی اندیشم .

به ظرافت انگشتانم ، هم نمی اندیشم

که دسته افزار کارم

در هنگام کندن سنگر

صدمه ای به آن یزند

\*\*\*

اگر من چنین بیندیشم

وسوسه و خواب ، به سراغم خواهد آمد .

در رؤیا هایم ، خواهم دید ،

که فلم سازان امپراتوری

از برای نمایش تن و بدنم ،

بر روی پرده سینما ها، صف بسته اند.

\* \* \* \*

کسی از میان ، اشاره به انگشتانم می کند

که آبله بسته ... ،

کسی هم به رنگ جلدم نظر می افگند

که آفتاب بر سپیدی آن سایه انداخته ... .

ناراحت می شوم ،

خودم را بر روی سنگری که نکنده ام ، می بینم

داعشی در حال خزیدن است به سویم .

در دستش سر بریده همرزم

به گرد گردن « سیا » اش

دامن آلوده به خون خواهرم .

\* \* \* \*

من خودم را در بازار " استانبول " می بینم

می بینم که :

مو هایم ، ابرو هایم ،

چشمان سخن گویم ،

مروارید دندان هایم ،

قلب پر تمنایم که می لرزد

برجستگی های تن برهنه ام ،

گل سرخ آرزوهای نهفته ام ؛

همه و همه را به حراج گذاشته اند ،

داعشیان سیه اندیش بدگوهر

که از نزدیکی با خواهران تنی شان ، به خود می بالند

\* \* \* \*

اگر لحظه ای از یاد مردم غافل بمانم

وبه تداوم این لحظات " خود اندیشی " میدان دهم

که به خویشتن خویش بنازم

و درگرداب اندیشه و تخیل فرو روم

داعشیان ، سنگر نشینان آتشین خوی کوبانی را

به حراج خواهند گذاشت .

\* \* \* \*

افزار سنگرم ،

تفنگ و مسلسل

خمپاره دور کمرم

پوچک گلوله\* های خالی دور و برم  
همه و همه ، زیبایی های من است  
همر زمان فراسوی کشورم !  
بدانید که بدون این همه چیز  
من زشت خوی و زشت روی و نازیبایم .

\*\*\*\*\*

( ۱۱ شب ۲۸ جولای ۲۰۱۵ )

\* فشنگ